

با چه خطی بنویسیم؟

اهداف

- الف) هدف کلی: آشنا ساختن دانش آموز با انواع خط فارسی و به کارگیری آن‌ها
- ب) هدف‌های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش آموز انتظار می‌رود:
- ۱- خط شبه نسخ را تشخیص بدهد.
 - ۲- خط تحریری را معرفی کند.
 - ۳- مزایای خط شبه نسخ را نام ببرد.
 - ۴- فواید به کارگیری خط تحریری را بیان کند.
 - ۵- شکل صحیح املائی گروه کلمه‌های درس را بنویسد.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن؛ حسین داودی، انتشارات مدرسه.
- ۲- دستور خط فارسی؛ سلیم نسیاری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- نگارش و ویرایش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، انتشارات سمت.

ب) منابع فرعی

- ۱- شیوه‌ی آموزش املا فارسی و نگارش؛ احمد احمدی بیرجندی، انتشارات مدرسه.
- ۲- شیوه‌نامه‌ی مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- مکاتبات اداری؛ خسرو قاسمیان، نشر زر.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱- الگوی تعامل و کنش متقابل، ۲- روش تمرین و تکرار، ۳- روش تلفیقی، ۴- روش حلّ

مسئله.

مفاهیم و نکات اساسی درس

– خطّ شبه نسخ؛ برای چاپ کتاب و مطبوعات مناسب است و عمل «خواندن» را آسان می‌کند، این خط زاویه‌دار و یک‌نواخت است و در آن، حرف‌ها کنار هم چیده می‌شوند. از مزایای خطّ شبه نسخ این است که در آن حروف به شکل واضح و برجسته در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند. به همین دلیل، برای یادگرفتن الفبای فارسی در پایه‌ی اوّل دبستان چنین خطی را پیشنهاد کرده‌اند. این خط را به دلیل شباهت به خطّ نسخ، «شبه‌نسخ» می‌گویند. البته این خطّ موجب کندی در نوشتن می‌شود.

– خطّ تحریری؛ در این خط، شکل حروف و کلمات، ظریف، منحنی و متعادل است. حرف‌ها با یک‌دیگر تناسب و تقارن دارند و «نوشتن» آن‌ها سریع‌تر انجام می‌گیرد؛ زیرا حروف به جای «زاویه قوس» دارند. به همین سبب برای نوشتن، خطّ تحریری توصیه می‌شود. «تحریر» در لغت به معنای نوشتن است. خطّ تحریری در اصطلاح، خط نوشتن با دست است.

– خطّ تحریری هر چند به خطّ نستعلیق ریز، نزدیک است و از لوازم مهارت نوشتن به شمار می‌رود، نباید صرفاً خطّ هنری و خوش‌نویسی تلقی شود.

– خطّ تحریری به سبب ظرافت، زیبایی و سرعتی که در نوشتن آن است، برای دست‌نوشته‌های ما «خطّ معیار» به شمار می‌رود.

متن زیر، خلاصه‌ای است از مبحث «فعال‌سازی درس املا» که از کتاب «راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن»، انتخاب شده است، با هم می‌خوانیم.

«سنت رایج و شیوه‌ی معمول تاکنون این بوده است که معلّم در ساعت درس املا، پس از انتخاب عبارت‌هایی از کتاب فارسی، آن‌ها را به صورت تقریری قرائت کند و دانش‌آموزان آن‌ها را بنویسند. گاهی هم یک دانش‌آموز با نظارت جمعی کلاس، آن عبارات را در تابلوی کلاس می‌نویسد. سپس اوراق املا یا تخته‌ی کلاس به دست معلّم و بعضاً دانش‌آموزان تصحیح می‌شود ولی باید توجه داشت که درس املا به گفتن املا و تصحیح آن خلاصه نمی‌شود و باید به موازات آن به اقدامات دیگری مبادرت ورزید. به این منظور، می‌توان بخشی از وقت را به انجام فعالیت‌هایی که موجب تقویت درس املا و کسب خلاقیت و فعال کردن دانش‌آموزان شود، اختصاص داد؛ از جمله:

– از دانش‌آموزان خواسته شود الفبای خطّ فارسی را از جهات مختلف گروه‌بندی کنند.
– خطّ نسخ و روزنامه‌ای را با خطّ تحریری مقایسه کنند و تفاوت‌ها و تغییرات هر یک را ارائه نمایند.

— از دانش‌آموزان خواسته شود با مطالعه‌ی کتاب ادبیات فارسی، کلماتی را که ارزش املائی دارند استخراج کنند و پس از تکمیل توضیحات، آن‌ها را در ساعت درس املا به صورت الفبایی ارائه نمایند.

— نقش حرف‌های خاصّ عربی در فارسی و گروه حرف‌های یک صدایی و هم‌چنین مبحث مهمّ اشتقاق و نیز کلمات متشابه و متضادّ برای دانش‌آموز تدریجاً و مداوم تشریح گردد و از دانش‌آموزان خواسته شود نمونه‌های دیگر را در کتاب‌های درسی بیابند و پس از مقایسه و بررسی، ارائه کنند. موارد فوق و مشابه آن‌ها معلّم را یاری می‌دهد تا کلاس درس املا را متنوّع و فعّال سازد و موجب ابتکار و نوآوری دانش‌آموزان گردد.»

راهنمای درس املا حسین داودی. ص ۷ تا ۱۲.

توصیف

اهداف

الف) هدف کلی: آشناسازی دانش آموز با توصیف و ویژگی های آن به عنوان یکی از راه های پرورش معانی در نگارش

ب) هدف های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش آموز انتظار می رود:

- ۱- مقصود از توصیف و ویژگی های آن را بیان کند.
- ۲- مواد توصیف را نام ببرد.
- ۳- به توصیف علمی پدیده ها بپردازد.
- ۴- برخی از پدیده ها را به گونه ی ادبی توصیف نماید.
- ۵- تفاوت توصیف علمی و توصیف ادبی را توضیح دهد.
- ۶- از واژگان مناسب به فراخور موضوع توصیف استفاده کند.
- ۷- به فعالیت و خودآزمایی درس، پاسخ درست بدهد.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- نگارش و ویرایش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، انتشارات سمت.
- ۲- کتاب کار نگارش و انشا (۱)؛ حسن ذوالفقاری، انتشارات اساطیر.
- ۳- آیین نگارش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، مرکز نشر دانشگاهی.

ب) منابع کمکی

- ۱- فن نویسندگی؛ نادر وزین پور، مؤسسه ی عالی علوم ارتباطات.
- ۲- آیین نگارش؛ حسن انوری (۱ و ۲)، انتشارات رسام.
- ۳- راهنمای نگارش و ویرایش؛ محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

۱- روش حل مسئله، ۲- روش تعامل و کنش متقابل، ۳- روش همیاری، ۴- تدریس اعضای گروه با به‌کارگیری فنّ مقایسه.

مفاهیم و نکات اساسی درس

– «توصیف» یکی از راه‌های رایج پروردن مطالب است و تنها در نوشته‌های داستانی و شعر یا گزارش و سفرنامه کاربرد ندارد بلکه در علوم و فنون هم به‌گونه‌ای مؤثر و فعال به‌کار می‌رود. در علوم تجربی، گاه به‌جای تعریف یک شیء یا پدیده به توصیف آن می‌پردازیم.

– عناصر خیال در توصیف، نقش اساسی دارند. در توصیف‌های ادبی برای آن که موصوف در برابر مخاطب مجسم گردد و تصویری زنده از آن ارائه شود، از عناصر خیال استفاده می‌کنیم.

– توصیف ممکن است به فراخور موضوع، انواع متعددی پیدا کند.

– حواس پنج‌گانه و تجربه‌های حسی و عاطفی، موادّ توصیف را می‌سازند.

– به‌کارگیری واژگان مناسب، به ساخت فضای خاص کمک فراوان می‌کند؛ بنابراین، نویسنده برای بیان هر یک از گونه‌های وصف با کیفیات و حالت‌های گوناگون، به گنجینه‌ی واژگان درخور و متناسبی نیازمند است.

– در توصیف، استفاده از هر گونه صفت، فعل و قید مناسب ضروری است. از این‌رو، نویسنده باید ضمن بهره‌مندی از «هنر مشاهده»، الفاظ کافی و درخوری را در ذهن داشته باشد تا بتواند در هر موقع و مقام، تعبیری مناسب بیاورد.

– در توصیف نباید از همه‌ی جزئیات سخن گفت بلکه باید تنها به آن دسته از جزئیات پرداخت که به روشن‌تر شدن مقصود کمک می‌کنند.

نوشته‌ی زیر، از کتاب «نگارش و ویرایش» انتخاب شده است. با هم می‌خوانیم.

«هر گاه سخنی داشته باشیم که بخواهیم آن را به نگارش درآوریم، باید طرحی بریزیم و رئوس مطالب خود را در آن بیاوریم تا آن‌ها را در نوشته‌ی خویش بیورانیم. در نویسندگی، مهارت در پروراندن مطلب بسیار مهم است. شاید بتوان گفت که نویسندگی همان هنر پروراندن مطلب است، همین هنر است که فرق پدید می‌آورد میان آن که می‌داند و بیان می‌کند و آن که می‌داند و نمی‌تواند بیان کند. این که نویسنده به روشنی بداند که چه می‌خواهد بگوید لازم هست ولی کافی نیست. مهم آن است که مقصود خود را بتواند خوب بیوراند.»

برای پروراندن مطالب، راه‌ها و الگوهای وجود دارد که نویسنده به حکم مقتضیات و به ذوق خود، یک یا چند از آن‌ها را اختیار می‌کند. الگوهای رایج عبارت‌اند از: تعریف، توصیف، استدلال، بررسی علل و نتایج، استشهاد و تمثیل و ارسال مثل، مقایسه، تقسیم‌بندی، مکالمه و مناظره.»
نگارش و ویرایش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، ص ۸۲.

پاسخ خودآزمایی

۱- دانش‌آموز باید بتواند دانشی را که از راه مطالعه‌ی درس کسب کرده است، با توجه به تصویر موردنظر به نوشتار تبدیل کند و از این راه به توصیف دلخواه دست یابد.

۲- بنویسید هر یک از انواع توصیفات زیر برای بیان چه مقصودی است.

در نوشته‌ی نخست (بهار گذشته دو سال بود...)، فضایی طبیعی وصف شده است که با جانوران و انسان دشمنی دارد. نویسنده با شرح تأثیر گرما در خاک (ترک می‌خورد و از هم می‌پاشد)، در جانوران (حیوان‌ها واقعاً دیوانه می‌شدند) و در انسان (احساس می‌کردی چشم‌هایت می‌خواهند از حدقه بیرون بیروند) و هم چنین با تعبیرهای کنایی قوی (درست در جهنم باز شده بود)، داغی تنورآسای هوا را چنان به وصف درآورده است که خواننده آن را حس می‌کند.

در نوشته‌ی دوم، نویسنده برای برانگیختن احساسات و عواطف نسبت به سنت‌های گذشته و توجه دادن به آبخورهای نخستین فرهنگی و ملی و تشویق خواننده به بازگشت و رویکرد به خاستگاه، به توصیف‌هایی دل‌انگیز از محیط روستا دست زده است؛ (بوی شبدر دو چین یا صدای بلدرچین یک دم قطع نمی‌شود) و سرانجام، عواطف انسان دوستانه‌ی او را تحریک می‌کند و می‌نویسد: «بیا تا هوا تر و تازه است. مادر چشم به راه توست». خلاصه این که نویسنده برای اثربخشی بیش‌تر، از توصیف زیبایی‌ها و مناظر طبیعت بهره می‌گیرد.

۳- مفرد جمع‌های مکسر زیر را بنویسید.

احرار ← حرّ

قلاع ← قلعه

قُرّا ← قریه (قاری مفرد کلمه‌ی «قُرّا» است.)

ادلّه ← دلیل

نسخ ← نسخه

فلاسفه ← فیلسوف

تجّار ← تاجر

مکاتیب ← مکتوب

مکاتب ← مکتب

رعایا ← رعیت

نواحی ← ناحیه

معانی ← معنی

اجانب ← اجنبی

اشیا ← شیء

۴- شکل صحیح کلمات زیر را بنویسید.

استیفا از کار ← استعفا از کار

خورده فروشی ← خُرده فروشی

تمر یادبود ← تمرِ یادبود

روغن مایه ← روغن مایع

زبان‌شناسی چیست؟ (۱)

اهداف

- الف) هدف کلی: آشنا کردن دانش‌آموز با تعریف و سابقه‌ی زبان‌شناسی
- ب) هدف‌های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش‌آموز انتظار می‌رود:
- ۱- تعریف زبان‌شناسی را بداند.
 - ۲- بتواند تفاوت‌های زبان‌شناسی سنتی و زبان‌شناسی جدید را بیان کند.
 - ۳- با اهداف زبان‌شناسی جدید آشنا باشد.
 - ۴- مشکلات مطالعه‌ی زبان را بشناسد.
 - ۵- دو شاخه‌ی زبان‌شناسی $\left\{ \begin{array}{l} \text{زبان‌شناسی تاریخی} \\ \text{گوش‌شناسی} \end{array} \right.$ را بشناسد.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- تاریخ مختصر زبان‌شناسی؛ آر. اچ. روبینز، ترجمه‌ی علی‌محمد حق‌شناس، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸.
 - ۲- زبان‌شناسی همگانی؛ جین اچسون، ترجمه‌ی حسین وثوقی، انتشارات کتابسرا، تهران، ۱۳۶۳.
 - ۳- زبان و تفکر (مجموعه مقالات زبان‌شناسی)؛ محمدرضا باطنی، تهران، انتشارات آبانگاه، چاپ ششم، ۱۳۷۸، صص ۲۵-۹.
 - ۴- _____ نگاهی تازه به دستور زبان؛ محمدرضا باطنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۱.
 - ۵- نگاهی به زبان؛ جورج یول، ترجمه‌ی نسرین حیدری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ب) منابع کمکی
- ۱- زبان‌شناسی از آغاز تا امروز؛ غلامرضا عمرانی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، سال

سیزدهم، بهار ۱۳۷۸.

۲- زبان‌شناسی و زبان؛ بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی؛ جولیا اس. فالک، ترجمه‌ی خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

3- Farrokhphey, Mahmoud, Language, tehran, Simin Publishing, 1995.

4- Fronkin, Victoria & Robert Rodman "An Introduction to language" Saunders College Publishing, 1988.

5- Lyons, John, "Language and linguistics", Cambridge University Press, 1990.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

روش توضیح و سخنرانی به همراه الگوی تعامل و کنش متقابل معلم مطالب جدید را با استفاده از دو روش توضیح و سخنرانی و الگوی تعامل و کنش متقابل ارائه می‌دهد و آن‌گاه دانش‌آموزان را به بحث و گفت‌وگو می‌کشانند تا امر یادگیری به شکل بهتری محقق شود.

مفاهیم و نکات اساسی درس

اهمیت زبان و زبان‌شناسی، تعریف زبان‌شناسی، سابقه‌ی مطالعات زبانی، زبان‌شناسی سنتی، زبان‌شناسی جدید، زبان‌شناسی تاریخی، گویش معیار و گویش‌شناسی

«زبان شهری است در حال ساختن که هر انسانی یک سنگ آن را می‌گذارد.» (امرسون)

اهمیت زبان: «ما در دنیای زبان زندگی می‌کنیم» بخش عمده‌ای از زندگی انسان‌ها را سخن گفتن، گوش دادن، خواندن و نوشتن تشکیل می‌دهد. انسان ممکن است در طول روز با هزاران واژه برخورد کند. به این ترتیب، ما در دریایی از واژه‌ها (زبان) شناوریم. کاربرد زبان بخش عمده‌ی زندگی انسان را پر می‌کند. بچه‌های همه‌ی جهان تقریباً در یک سن سخن گفتن را آغاز می‌کنند و مسیرهای مشابهی را در تکامل زبان‌آموزی می‌پیمایند. همه‌ی زبان‌ها در ساختار اصلی خود مشترکاتی دارند. ذهن و زبان را ویژگی‌های متمایزکننده‌ی انسان از حیوان برشمرده‌اند. این دو چنان به هم وابسته‌اند که بعضی آن‌ها را تفکیک ناپذیر می‌دانند.

ناتوانی در کاربرد زبان مناسب و بجا بر موقعیت اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد و ممکن است حتی باعث تغییر و تحقیر شخصیت او شود؛ زبان در زندگی انسان نقش بسیار مهمی دارد. به همین دلیل، شمار فزاینده‌ای از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، آموزگاران، متخصصان گفتار درمانی و کامپیوتر و نیز نویسندگان به مطالعه‌ی بسیار عمیق در زمینه‌ی «زبان» نیازمندند. به این ترتیب،

عجیب نیست که در سال‌های اخیر یکی از شاخه‌های دانش بشری که به سرعت رشد و گسترش یافته است، «زبان‌شناسی» باشد.

زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی و نظام‌مند زبان است.

زبان‌شناسی کارکرد زبان را به شیوه‌ی علمی توجیه می‌کند و بر خلاف تصوّر عامه، تنها مطالعه‌ی ریشه‌ی لغات (ریشه‌شناسی = etymology) را شامل نمی‌شود. زبان‌شناسی هم‌چنین به معنای دانستن چند زبان نیست و زبان‌شناس الزاماً فردی چندزبانه نمی‌باشد و ممکن است تنها بر زبان بومی خود تسلط داشته باشد. به همین ترتیب، کسی که چند زبان می‌داند نیز خود به خود زبان‌شناس نیست. زبان‌شناسی علمی است که «زبان» را به عنوان دستگاہی منسجم، با دقت و باریک‌بینی مطالعه و تجزیه و تحلیل می‌کند تا بتواند پاسخ پرسش‌های بسیاری را، از قبیل پرسش‌های زیر بیابد.

۱- زبان چیست؟ ۲- زبان چگونه عمل می‌کند؟ ۳- مشترکات زبان‌ها کدام‌اند؟ ۴- تفاوت‌های میان زبان‌ها کدام‌اند؟ ۵- چه ویژگی‌هایی زبان انسان را از زبان حیوانات متمایز می‌کند؟ ۶- کودک سخن گفتن را چگونه می‌آموزد؟ ۷- زبان‌ها چرا و چگونه تغییر می‌کنند؟ ۸- تفاوت‌های طبقات اجتماعی تا چه اندازه در زبان منعکس می‌شود؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر.

سابقه‌ی مطالعات زبانی: وقتی می‌گوییم زبان‌شناسی علمی جدید است، مقصودمان این نیست که علاقه به مطالعه‌ی زبان پدیده‌ای کاملاً جدید است. برعکس، بشر از دیرباز به کار زبان علاقه‌مند بوده و مطالعه‌ی زبان از مسائل اولیه‌ای است که توجه او را به خود جلب کرده است. برای مثال، در «هشت کتاب» اثر «پانی‌نی» که قدمت آن تقریباً به ۶۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد، قواعد دستور زبان سانسکریت مطرح شده است. از جمله‌ی نخستین کسانی که در غرب به مطالعات زبانی پرداختند، می‌توان افلاطون و ارسطو را نام برد. در جهان اسلام نیز از سیبویه بصری نام برده شده که دستور زبان او متعلق به قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) است.

مطالعات زبان‌شناسی نوین در آغاز قرن بیستم با تحقیقات و آرای زبان‌شناس سویسی «فردینان دوسوسور» - که پدر زبان‌شناسی نوین لقب گرفته است - مسیر و شیوه‌ای تازه یافت. این شیوه که زبان‌شناسی توصیفی نام گرفت، رشد پرشتابی داشت و با انتشار کتاب «دروس زبان‌شناسی همگانی» اثر دوسوسور، زبان‌شناسی نوین به زبان‌شناسی همگانی معروف شد. عمده‌ی آرای دوسوسور (زبان‌شناسی نوین / همگانی) را می‌توان تحت سه عنوان مطرح ساخت:

۱- طرح دو بُعد مطالعات زبانی: الف) بُعد هم‌زمانی؛ یعنی مطالعه‌ی زبان در یک برش خاص از زمان؛ ب) بُعد در زمان؛ یعنی مطالعه‌ی تاریخی زبان و تغییراتی که در گذر زمان بر آن حادث

می‌شود. زبان‌شناسی هم‌زمانی همان زبان‌شناسی توصیفی و زبان‌شناسی در زمانی همان زبان‌شناسی تاریخی است.

۲- طرح تفاوت میان توانش زبانی و کنش زبانی - یا تفاوت زبان با گفتار (که در درس اول توضیح داده شد).

۳- زبان نظامی است منسجم که عناصر واژگانی، صرفی، نحوی و ... در این نظام نسبت به یک‌دیگر تعریف می‌شوند و این عناصر را نمی‌توان جدا از هم بررسی کرد. بررسی عناصر یاد شده روی دو محور هم‌نشینی (توالی گفتار) و جانشینی (تقابل عناصر) انجام می‌گیرد.

این نظریه‌ها با مطالعه‌ی ساختار زبان عملاً زیربنای زبان‌شناسی جدید را بی‌ریزی کرد. به این ترتیب، علم زبان‌شناسی به عنوان علمی مستقل در میان علوم جایگاه خاص خود را پیدا کرد. زبان‌شناسی نوین از آن‌جا که ساخت زبان را مورد پژوهش قرار می‌دهد، «ساخت‌گرایی» نیز لقب گرفته است. مکتب «ساخت‌گرایی» بعدها به وسیله‌ی «بلوم فیلد» آمریکایی و پیروانش گسترش پیدا کرد. تفاوت‌های میان زبان‌شناسی جدید و زبان‌شناسی سنتی را می‌توان چنین بیان کرد:

۱- زبان‌شناسی جدید توصیفی است نه تجویزی؛ زبان‌شناسان جدید به این می‌پردازند که اهل زبان چه می‌گویند و می‌کوشند همه‌ی ابعاد زبان مورد استفاده‌ی مردم را توصیف کنند؛ حال آن‌که زبان‌شناسان سنتی (دستورنویسان سنتی) چون به «پاکی زبان» معتقد بودند و زبان متون ادبی، مذهبی و ... را زبان پاک می‌دانستند، سعی می‌کردند به اصلاح زبان در حال تغییر مردم بپردازند و برای این کار قواعدی را تجویز می‌کردند.

۲- در زبان‌شناسی جدید پیش‌تر زبان گفتار که ذاتی زبان است و با پدیده‌ی زبان بشری رابطه‌ی مستقیم دارد و قدمت آن بسیار پیش‌تر از نوشتار است، مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد؛ در حالی که زبان‌شناسان سنتی پیش‌تر به نوشتار و تحلیل آثار و متون ادبی کلاسیک توجه داشتند.

۳- در زبان‌شناسی جدید، زبان به عنوان یک پدیده‌ی مستقل مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ در حالی که در زبان‌شناسی سنتی به منظور روشنگری در مسائلی چون فلسفه، منطق، دین و ادبیات و امثال آن مورد مطالعه قرار می‌گرفت.

۴- زبان‌شناسی نوین در تحقیقات خود از روش‌های تجربی علوم استفاده می‌کند و مواد اولیه‌ی مورد بررسی آن زبان روزمره‌ی مردم است؛ در حالی که اکثر مطالعات قدیمی زبان فاقد بنیان علمی بوده و بیش‌تر بر حدس و گمان و تصورات فرد اتکا داشته است.

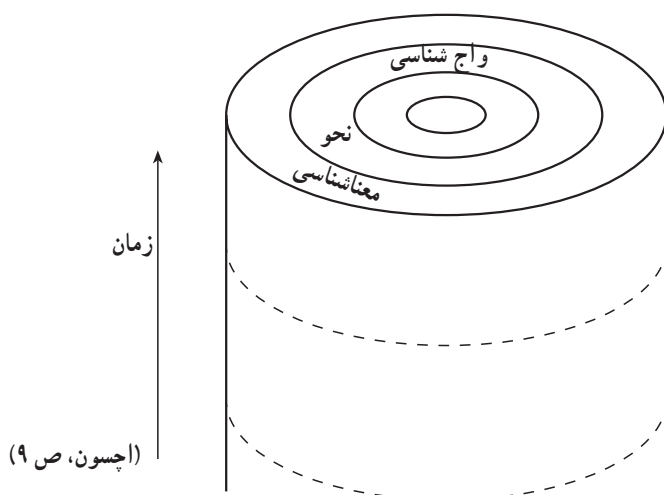
۵- زبان‌شناسی سنتی به جای این که به زبان به عنوان نظام و شبکه‌ای به هم بافته بنگرد، به توصیف‌های بریده، بریده و جزئی در مورد زبان می‌پرداخت.

۶- در بیش‌تر تعاریف قدیم، صورت و معنا مخلوط شده و معنا خود از دیدگاه فلسفی تعبیر و تفسیر شده است ولی زبان‌شناسی نوین به این نتیجه رسیده که آمیختن صورت و معنا باعث گمراهی است.

۷- تحمیل مقولات خارجی بر زبان: دست‌نویسان سنتی مقولات خارجی را بر زبان مورد مطالعه تحمیل می‌کردند؛ مثلاً تحمیل مقولات لاتین بر انگلیسی و فرانسه و ... و تحمیل مقولات عربی و فرانسه بر زبان فارسی.

زبان‌شناسی تاریخی: در قرن نوزدهم، زبان‌شناسان به تحقیق در مورد جزئیات تکامل زبان‌های خاصی توجه زیادی نشان دادند و فرضیه‌هایی عمومی در مورد تغییر زبان شکل گرفت. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به این موضوعات می‌پرداخت، اکنون به نام «زبان‌شناسی تاریخی» شناخته شده است. اصطلاح «در زمانی» (diachronic) معادل با زبان‌شناسی تاریخی به کار می‌رود. توصیف در زمانی (تاریخی) یک زبان، ترسیم سیر تحول و تکامل تاریخی آن و ثبت تغییراتی است که آن زبان در مراحل و مقاطع پیاپی در طول زمان پذیرفته است. در مقابل، اصطلاح «هم‌زمانی» (synchronic) توصیف یک زبان است در مقطع خاصی از زمان.

مطالعات زبان‌شناسی در سه حوزه‌ی اساسی واج‌شناسی، نحو و معناشناسی انجام می‌گیرد. اگر زبان را تنه‌ی یک درخت تصور کنیم، زبان‌شناسی تاریخی (در زمانی) چند برش پیاپی از این تنه را مطالعه می‌کند و تغییر و تحولات آن را - در محور عمودی - مورد بررسی قرار می‌دهد؛ حال آن که زبان‌شناسی هم‌زمانی تنها به بررسی یک برش از این تنه - در محور افقی - می‌پردازد.



گوش‌شناسی و گوش‌معیار: به علت گستردگی زبان و وجود گونه‌ها، لهجه‌ها و گوش‌های مختلف آن، زبان‌شناسی تنها می‌تواند در زمینه‌ی یکی از گوش‌ها به تحقیق بپردازد. در مورد پژوهش بر روی یک زبان معمولاً شکلی از آن زبان – گفتاری یا نوشتاری – انتخاب می‌شود که گوش رسمی آن زبان است و به آن گوش معیار (Standard) می‌گویند؛ مثلاً برای مطالعه‌ی زبان فارسی، بیش‌تر به گونه‌ای از آن توجه می‌کنیم که «فارسی معیار» نامیده می‌شود و آن گونه‌ای از فارسی است که:

۱- زبان رسمی کشور است. ۲- مورد استفاده‌ی روزنامه‌ها و کتاب‌هاست و رسانه‌های گروهی آن را به کار می‌برند. ۳- زبانی است که در مدارس فارسی زبان تدریس می‌شود. ۴- به عنوان زبان دوم به زبان‌آموزان خارجی آموخته می‌شود. ۵- در باور عامه به عنوان زبان خالص و صحیح شناخته شده است.

علاوه بر این، ممکن است زبان‌شناس تحقیقات خود را بر یک گوش خاص جغرافیایی، اجتماعی و ... متمرکز کند. در این صورت، زمینه‌ی کار او را «گوش‌شناسی» می‌نامند.

گوش‌های گوناگون زمانی ایجاد می‌شوند که انسان‌ها از نظر جغرافیایی و اجتماعی از هم متمایز می‌گردند. موانع ارتباطی – شامل موانع فیزیکی مانند دریا و کوه و بُعد مسافت – و موانع اجتماعی – چون مسائل سیاسی، نژادی، طبقاتی و مذهبی – گروه‌های اهل یک زبان را از هم جدا می‌کند و باعث تقویت تفاوت میان گوش‌ها می‌شود. به این ترتیب، هر چه ارتباط میان گویشوران گوش‌های مختلف کم‌تر شود، تفاوت گوش‌ها به‌طور نسبی افزایش می‌یابد. البته ممکن است حتی در یک منطقه و در یک گروه نیز تفاوت‌های گوش‌ی وجود داشته باشد؛ مثلاً تفاوت در گوش والدین با فرزندان.

پاسخ فعالیت‌ها

فعالیت: دستور زبان فارسی امروز با کدام زبان‌شناسی ارتباط نزدیک‌تری دارد؟ چرا؟

پاسخ: با زبان‌شناسی جدید (= توصیفی = همگانی = ساخت‌گرا)؛ ۱- زیرا به قصد شناختن خود زبان و استخراج قواعد دستوری آن به تجزیه و تحلیل زبان پرداخته است. ۲- گوش معیار فارسی را برای مطالعه انتخاب کرده و از آمیختن آن با گوش تاریخی و متون ادبی قدیم و شعر پرهیز کرده است. ۳- هدف آن توصیف زبانی است که مردم به کار می‌برند و نمی‌کوشد آن را تغییر دهد.

پاسخ خودآزمایی

۱- منظور از علمی بودن زبان چیست؟

زبان‌شناسی - مثل همه‌ی علوم دیگر - از روش‌های رایج در تحقیقات علمی (مشاهده، تجربه، آزمایش و فرضیه‌سازی) استفاده می‌کند.

۲- زبان‌شناسان برای حل مشکل دگرگونی زبان چه راه‌حلی اندیشیده‌اند؟

زبان‌شناسان برای حل این مشکل، عامل «زمان» را که موجب تحوّل و تغییر در زبان می‌شود، کنار می‌گذارند و مطالعه‌ی تغییر و تحوّل زبان را به شاخه‌ای دیگر از زبان‌شناسی - به نام زبان‌شناسی تاریخی - می‌سپارند.

۳- وظیفه‌ی گویش‌شناسی چیست؟

مطالعه و تحقیق در یکی از گویش‌های مختلف جغرافیایی، اجتماعی و

۴- مثال‌های زیر را که در حوزه‌ی زبان‌شناسی تاریخی است، به زبان امروز بازنویسی کنید.

توجه: (پاسخ‌ها پیشنهادی است و منحصر به همین نیست. می‌توان صورت‌های دیگری را نیز

پیشنهاد کرد.)

□ بارانکی خرد خرد می‌بارید؛ چنان‌که زمین تر گونه می‌کرد. (تاریخ بیهقی)

پاسخ: باران ملایمی نم‌نم می‌بارید؛ به‌طوری‌که زمین کمی خیس شده بود.

□ از این خاصیت، خرما خیزد از هر گونه و اندر وی حیوانات‌اند عجب گوناگون. (حدودالعالم)

پاسخ: در این منطقه انواع خرماها به‌دست می‌آید و در آن جانداران بسیار گوناگونی زندگی

می‌کنند.

□ پس، یوسف را بدان سر چاه بردند و جامه از او بیرون کردند و رسن به میان او اندر بستند.

(ترجمه‌ی تفسیر طبری)

پاسخ: بعد یوسف را به سر آن چاه بردند و او را لخت کردند و به کمرش طنابی بستند.

□ چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم و سه ماه بود که موی

سر باز نکرده بودیم. (سفرنامه‌ی ناصر خسرو)

پاسخ: وقتی به شهر بصره رسیدیم، به علّت فقر و در ماندگی به دیوانه‌ها شبیه بودیم و مدت سه

ماه بود که حمام و اصلاح نکرده بودیم.

۵ - نوع اسم‌های مشخص شده‌ی تمرین ۴ را تعیین کنید.

بارانکی: مفرد، نکره، عام، مشتق
زمین: مفرد، جنس، عام، ساده

خرما: مفرد، جنس، عام، ساده
یوسف: مفرد، شناس، خاص، ساده

رسن : مفرد، جنس، عام، ساده
برهنگی : مفرد، جنس، عام، مشتق

بصره : مفرد، شناس، خاص، ساده
دیوانگان : جمع، جنس، عام، ساده

۶ - تفاوت‌ها و شباهت‌های دو خطّ نسخ و تحریری را در یک بند بنویسید.

پاسخ: در خطّ نسخ حروف و کلمات زاویه‌دار و یک نواخت نوشته شده و حرف‌ها در کنار هم چیده می‌شوند؛ در حالی که حروف و کلمات در خطّ تحریری منحنی و متعادل‌اند. حرف‌ها با یک‌دیگر تناسب و تقارن دارند و بعضی حروف روی هم قرار می‌گیرند. در این خط، به جای زاویه‌ی حروف از قوس استفاده می‌شود و حروف دندان‌دار کشیده نوشته می‌شوند. به همین دلیل، خطّ تحریری نسبت به خطّ نسخ سریع‌تر نوشته می‌شود و در زندگی کاربرد بیش‌تری دارد. البته هر دو خط جنبه‌ی کاربردی معمولی دارند و خط‌های هنری نیستند اما خطّ نسخ چون حروف را واضح و برجسته نشان می‌دهد، برای آموزش و چاپ آثار کتبی مناسب‌تر است.

پرسش‌های نمونه

۱- رایج‌ترین تعریف زبان‌شناسی چیست؟

مطالعه‌ی علمی زبان را زبان‌شناسی می‌گویند.

۲- زبان‌شناسی سنتی با زبان‌شناسی جدید چه تفاوت‌هایی دارد؟ هدف زبان‌شناسی سنتی شناختن خود زبان نبود و زبان بیش‌تر به قصد حفظ کتب آسمانی و آثار ادبی از دگرگونی‌های ناشی از گذشت زمان یا ایجاد ارتباط میان اقوام و مللی که به زبان‌های مختلف سخن می‌گفتند، مورد مطالعه قرار می‌گرفته است.

اما زبان‌شناسی جدید زبان را در درجه‌ی اول به قصد شناختن خود آن مطالعه می‌کند و فقط به کشف واقعیات موضوع زبان می‌پردازد تا دریابد که زبان آن‌گونه که هست، چیست و دیگر نمی‌کوشد آن را تغییر دهد.

۳- در تحقیق درباره‌ی یک زبان، محقق کدام گونه یا گویش را برای مطالعه انتخاب می‌کند؟ وقتی هدف، مطالعه‌ی یک زبان باشد، گویش معیار آن انتخاب می‌شود.

۴- مطالعات زبان‌شناسی جدید از چه زمانی شروع شده است؟

سابقه‌ی زیادی ندارد و از آغاز قرن بیستم شروع شده است.

۵ - اگر بخواهیم طریقه‌ی سخن گفتن مردم بندرعباس را مورد مطالعه قرار دهیم و قواعد آن را استخراج کنیم، در حوزه‌ی کدام شاخه‌ی زبان‌شناسی قرار می‌گیریم؟
حوزه‌ی گویش‌شناسی.

۶ - برای گویش اجتماعی یک مثال ذکر کنید.
گویش حوزوی که طلاب و روحانیون به کار می‌برند یا گویش وکلای دادگستری.

فعالیت

فکر کنید و پاسخ دهید.

در کتاب‌های درسی از کدام گونه (گویش)ی زبان فارسی استفاده شده است؟
گویش معیار.

فعالیت

فکر کنید و پاسخ دهید.

علل به وجود آمدن شاخه‌های مختلف در زبان‌شناسی مانند، زبان‌شناسی تاریخی،
گویش‌شناسی و ... چه بوده است؟

پاسخ: برای رفع مشکل مطالعه‌ی زبان، آن را به شاخه‌های مختلفی تقسیم کرده و کوشیده‌اند
با محدود کردن حوزه‌های تحقیق، از عمده‌ی این کار برآیند.

گروه اسمی (۲) – وابسته‌های اسم

اهداف

- الف) هدف کلی: آشنا کردن دانش‌آموز با عناصر گروه اسمی (وابسته‌های پیشین)
- ب) هدف‌های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش‌آموز انتظار می‌رود:
- ۱- بتواند هسته‌ی گروه اسمی را تشخیص دهد.
 - ۲- صفت اشاره را بشناسد و جایگاه آن را در گروه اسمی بداند.
 - ۳- صفت پرسشی را بشناسد و جایگاه آن را در گروه اسمی بداند.
 - ۴- صفت تعجبی را بشناسد و جایگاه آن را در گروه اسمی بداند.
 - ۵- صفت شمارشی را بشناسد و جایگاه آن را در گروه اسمی بداند.
 - ۶- صفت عالی را بشناسد و جایگاه آن را در گروه اسمی بداند.
 - ۷- صفت مبهم را بشناسد و جایگاه آن را در گروه اسمی بداند.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- دستور زبان فارسی امروز؛ غلامرضا ارژنگ، تهران، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۲- دستور (آموزش متوسطه‌ی عمومی؛ فرهنگ و ادب)؛ علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ، ۱۳۵۶-۱۳۵۴.
- ۳- ساخت زبان فارسی؛ خسرو غلامعلی‌زاده، تهران، انتشارات احیاء کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۴- دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری؛ مهدی مشکوة‌الدینی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۵- دستور زبان فارسی (۱)؛ تقی وحیدیان کامیار و غلامرضا عمرانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.

ب) منابع کمکی

- ۱- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی؛ محمدرضا باطنی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
- ۲- «گروه اسمی زبان فارسی بر مبنای نظریه‌ی ایکس تیره»؛ حسین حسینیان، مجله‌ی زبان‌شناسی، سال ششم، شماره‌ی اول.
- ۳- «گروه اسمی - نمودارها»؛ علی اکبر شیری، مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی، زمستان، ۱۳۷۹.
- ۴- دستور زبان فارسی؛ پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات توس، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.

روش پیشنهادی برای تدریس

الگوی تفکر استقرایی و ارائه‌ی اطلاعات

دانش‌آموزان گروه‌های اسمی یک متن را جدا می‌کنند و با استفاده از اطلاعاتی که معلم می‌دهد، به تجزیه‌ی گروه اسمی می‌پردازند. آن‌ها وابسته‌های پیشین را جدا و طبقه‌بندی می‌کنند تا خود به تفاوت انواع صفات پیشین برسند و ویژگی‌های هسته‌ی گروه اسمی را کشف کنند.

مفاهیم و نکات اساسی درس

شناخت گروه اسمی، هسته، وابسته‌های پیشین، روابط نحوی و جایگاه وابسته‌های پیشین، نقش نمودارها در نشان دادن روابط نحوی عناصر گروه.

یکی از اصول دستور ساختاری، تجزیه و طبقه‌بندی است؛ مثلاً کلام را به جمله‌ها و جمله‌ها را به نهاد و گزاره و هر کدام را به گروه‌ها و هر گروه را به واژه‌ها و هر واژه را به تکواژها و هر تکواژ را به واج‌ها تجزیه می‌کند و هر کدام از عناصری را که مشترکاتی دارند، در یک طبقه‌ی خاص جای می‌دهد؛ مثلاً گروه اسمی را از گروه فعلی جدا می‌سازد و در واقع، تجزیه و طبقه‌بندی می‌کند.

گروه اسمی یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده‌ی جمله است که چون می‌تواند جایگاه‌های نهاد، مفعول، مسند، متمم، بدل، منادا و ... را اشغال کند، بیش‌ترین بسامد را در جمله و زبان دارد و در واقع، تکرارپذیرترین گروه در جمله است. این گروه را می‌توان به عناصر و سازه‌های تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه کرد.

هسته و وابسته‌ها: هسته (= اسم) عنصر اصلی گروه اسمی است و به همراه آن یک یا چند وابسته نیز می‌تواند وجود داشته باشد. وابسته‌هایی را که پیش از هسته می‌آیند، «وابسته‌های پیشین»

و وابسته‌هایی را که پس از اسم می‌آیند، «وابسته‌های پسین» می‌نامند. واژه‌ای که جایگاه هسته را در گروه اسمی اشغال می‌کند، اسم یا جانشین اسم است که در صورت اخیر باز حکم اسم را دارد؛ مثال: در جمله‌ی «الف» ضمیرهای «من» و «او» جانشین اسم‌اند و گروه‌هایی اسمی محسوب می‌شوند که در جایگاه نهاد و مفعول نشسته‌اند.

الف) امروز من باز او را دیدم.

در جمله‌ی «ب» «نویسنده» یک صفت است که در گروه اسمی نهاد جانشین اسم شده است. ب) این نویسنده‌ی توانا آثار فراوانی را خلق کرد.

پرسش: گروه اسمی می‌تواند تنها یک عضو (= هسته = اسم) داشته باشد؛ چگونه این یک عضو را می‌توانیم گروه بنامیم؟

پاسخ:

۱- زیرا این یک عضو جایگاه یک گروه را اشغال می‌کند؛ مثلاً: در جمله‌ی «الف» به جای نهاد «او» می‌توانیم از نهاد «آن مرد مسافر» استفاده کنیم. پس، «او» مساوی است با «آن مرد مسافر». اگر آن دو مرد مسافر یک گروه اسمی است، «او» نیز - که می‌تواند در جمله جانشین این گروه شود - خود یک گروه است.

۲- هسته‌هایی که به تنهایی می‌آیند، توان پذیرفتن وابسته‌هایی را دارند. پس، یک هسته‌ی تنها، بالقوه یک گروه است. وجود هسته، اجباری و وجود وابسته‌ها اختیاری است.

وابسته‌ها و روابط نحوی آن‌ها با هسته در گروه اسمی

وابسته‌های پیشین بدون هیچ رابطی با هسته‌ی خود هم‌نشین می‌شوند ولی وابسته‌های پسین معمولاً توسط رابط «e-» (یا «ye-») اگر اسم قبل از آن‌ها به مصوت ختم شود) به هسته‌ی خود متصل می‌شوند:

این دو کتاب خواندنی

عناصر تشکیل‌دهنده‌ی گروه اسمی با هم روابط نحوی خاصی دارند؛ به طوری که اگر مثلاً ترتیب آن‌ها در گروه تغییر یابد و هم‌نشینی آن‌ها متزلزل شود، عبارت حاصل معنای متفاوتی پیدا می‌کند یا در مجموع، غیردستوری می‌شود. به مثال‌های زیر دقت کنید.

الف) این هر دو کتاب

؟ ب) هر این دو کتاب

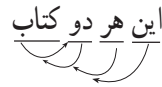
* پ) دو این هر کتاب

* ت) این دو هر کتاب

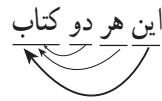
* (ث) هر دوی این کتاب

* (ح) دو هر این کتاب

پس، مشخص می‌شود معمولاً هر کدام از وابسته‌ها جایگاه خاص خود را دارند. برای نشان دادن روابط نحوی عناصر گروه از نمودارها (مثلاً نمودار - پیکانی یا درختی) استفاده می‌کنند، برای مثال، نمودار پیکانی صحیح گروه اسمی «الف» چنین است:



و مثلاً به صورت زیر، دقت کافی را ندارد:



زیرا نشان می‌دهد که این سه وابسته جایگاهی یکسان دارند؛ حال آن که چنین نیست. گفتیم که گروه اسمی از یک هسته و احتمالاً وابسته‌های پیشین و پسین تشکیل می‌شود. در زیر، به معرفی انواع وابسته‌های پیشین می‌پردازیم.

انواع وابسته‌های پیشین در گروه اسمی

۱- صفت اشاره: این، آن، همین، همان، چنین، چنان

این واژه‌ها هنگامی صفت اشاره محسوب می‌شوند که در جایگاه وابسته‌های پیشین اسم قرار گیرند و چنانچه به تنهایی یا به‌عنوان وابسته‌ی پسین ظاهر گردند، ضمیر اشاره‌اند و همانند اسم عمل می‌کنند (ممکن است هسته یا مضاف‌الیه باشند):

الف) این دانش‌آموز زرنگ	ب) همان گل سرخ	پ) این را بخوان.
صفت اشاره (وابسته‌ی پیشین)	صفت اشاره (وابسته‌ی پیشین)	ضمیر اشاره (هسته)

ت) درس را بخوانید و کلمه‌های جدید آن را استخراج کنید.

ضمیر اشاره
(وابسته‌ی پسین، مضاف‌الیه)

صفت اشاره وابسته‌ی پیشین است که معمولاً در دورترین جایگاه نسبت به هسته قرار می‌گیرد:

الف) این دو کشور الف) این بهترین کتاب الف) این همه آدم

۱- علامت «؟» نشانگر تردید است و علامت «*» غیردستوری بودن را نشان می‌دهد.

* (ب) دو این کشور * (ب) بهترین این کتاب * (ب) همه این آدم

۲- صفت پرسشی: چه، چند، کدام، چندمین

همان‌طور که در ذیل صفت اشاره آمد، هر کدام از این واژه‌ها در صورتی صفت پرسشی محسوب می‌شوند که در جایگاه وابسته‌ی پیشین در گروه اسمی قرار گیرند. در غیر این صورت، ضمیر پرسشی‌اند و نقش‌های اسم را می‌پذیرند:

چه کتابی خواندی؟ («چه») اگر در جمله‌ی عاطفی به‌عنوان وابسته‌ی پیشین به کار رود، صفت تعجبی است؛ مثلاً: «چه کتابی خواندی!!»

چند کتاب خواندی؟ («چند») اگر در جمله‌ی خبری به‌عنوان وابسته‌ی پیشین به کار رود، صفت مبهم است؛ مثلاً: «چند کتاب خواندم.»
کدام کتاب را خواندی؟

چندمین کتاب را می‌خواهی؟ («چندمین») اگر در جمله‌ی خبری به‌عنوان وابسته‌ی پیشین به کار رود، صفت مبهم است؛ مثلاً: «چندمین بار است که به دیدن او می‌روم.»

واژه‌های پرسشی دیگری نیز داریم که اغلب نقش قیدی دارند و صفت پرسشی محسوب نمی‌شوند: آیا، مگر، کی، چرا، کجا.

۳- صفت تعجبی: چه، عجب

این واژه‌ها در جایگاه وابسته‌ی پیشین و در جمله‌ی عاطفی معمولاً یکی از مفاهیم کثرت، تحسین، شگفتی و شدت را می‌رسانند و صفت تعجبی محسوب می‌شوند.

عجب هوایی! چه سخنی!

می‌بینم که صفت تعجبی با «ی» نکره همراه است که پس از هسته قرار می‌گیرند. وجود «ی» نکره» تقریباً اجباری است؛ چون، نمی‌توانیم بگوییم:

* عجب هوا! * چه سخن!

تنها در صورت جمع بستن هسته می‌توان نشانه‌ی «ی» را حذف کرد: چه سخن‌ها!

۴- صفت شمارشی: که خود شامل اعداد اصلی و اعداد ترتیبی است:

الف) اعداد اصلی: یک، دو، سه، چهار، پنج و...: همه‌ی اعداد اصلی در صورتی که وابسته‌ی پیشین اسم باشند، صفت شمارشی به حساب می‌آیند. در زبان فارسی معدود (هسته) همیشه مفرد است: یک کتاب / پنج کتاب. معمولاً برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن معدود، پس از عدد واحد شمارشی می‌آید که وابسته‌ی عدد است و «ممیز» نام دارد.

۱- در مورد انواع «یک» و «یک» نکره ر.ک، دستور زبان فارسی (۱)، وحیدیان کامیار، ص ۷۰

$\frac{\text{دو رأس گوسفند}}{\text{پنج متر پارچه}}$
 $\frac{\text{یک فروند هواپیما}}{\text{سه کیلو لوبیا}}$

«رأس»، «متر»، «فروند» و «کیلو» در گروه‌های پیش وابسته‌ی هسته نیستند بلکه وابسته‌ی عددند و عدد همراه با واحد شمارش وابسته هسته به حساب می‌آیند. همان‌طور که در گروه‌های اسمی پیش می‌بینیم، وجود واحد شمارش در همه‌جا لازم و اجباری نیست؛ مثلاً:

دو رأس گوسفند = دو گوسفند

یک فروند هواپیما = یک هواپیما

اما

پنج متر پارچه \neq پنج پارچه

سه کیلو لوبیا \neq سه لوبیا

مسئله‌ی دیگر این که در گروه اسمی، واحد شمارش مستقل از عدد همراه معدود نمی‌آید:

* رأس گوسفند * متر پارچه * فروند هواپیما * کیلو لوبیا

این نشان می‌دهد که واحد شمارش به تنهایی وابسته‌ی هسته نیست بلکه وابسته‌ی عدد (وابسته‌ی وابسته) است.

ب) اعداد ترتیبی: یکمین (به جای «یکمین» معمولاً واژه‌های «اولین» و «نخستین» نیز به کار می‌روند)، دومین، سومین، ... آخرین. اعداد ترتیبی نوع (۱) (نوع ۲) در بحث وابسته‌های پسین خواهد آمد) از عدد اصلی + مین ساخته می‌شوند و در صورتی صفت شمارشی هستند که وابسته‌ی پیشین اسم باشند و نقش نمای اضافه نداشته باشند.

دومین خیابان	دومین شما
صفت شمارشی	اسم (هسته)
(وابسته‌ی پیشین)	

۵ - صفت عالی: خوب‌ترین، بهترین، زرنگ‌ترین

صفت بیانی + ترین = صفت عالی

صفت عالی نیز ممکن است که گروه اسمی در جایگاه هسته قرار گیرد:

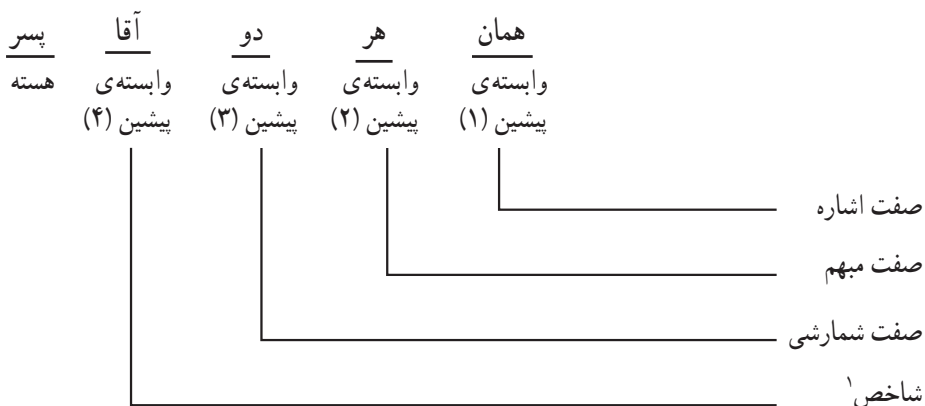
بهترین دانش‌آموز	بهترین دانش‌آموزان
صفت عالی	اسم (هسته)
(وابسته‌ی پیشین)	

۶- صفت مبهم: هر، هیچ، همه، فلان، چند، چندین، کمی، اندکی، قدری، مقداری، تعدادی، بعضی، برخی، پاره‌ای، بسیاری، دیگر؛ مثال:

هر دانشجو، هیچ کتابی، این همه مردم، فلان کتاب، این چند کتاب، آن چندین مغازه، کمی آذوقه، اندکی سرمایه، قدری نان، مقداری آب، تعدادی محصل، بعضی دانش‌آموزان، برخی آقایان، بسیاری کتاب‌ها، پاره‌ای مذاکرات، دیگر قفسه‌ها.
هر کدام از واژه‌های مزبور نیز در صورتی که وابسته‌ی پیشین اسم باشند و نقش‌نمای اضافه نداشته باشند، صفت مبهم اند.

تعداد وابسته‌های پیشین ممکن در گروه اسمی

در زبان فارسی گروه اسمی‌ای را نمی‌توان یافت که همه‌ی وابسته‌های پیشین در آن به کار رفته باشند. حداکثر وابسته‌های پیشین که در یک گروه اسمی می‌تواند وجود داشته باشد، چهارتاست:



۱- یکی دیگر از وابسته‌های پیشین اسم، «شاخص» است که توضیح آن در این کتاب نیامده و به کتاب‌های دیگر موکول شده است.

پاسخ خودآزمایی

۱- به هر یک از کلمات زیر، وابسته‌های پیشین مناسب بیفزایید.

مثال: کتاب، این کتاب، هر کتاب، چند کتاب، بهترین کتاب.

در هر مثال، وابسته‌های متنوع و متفاوتی را به کار ببرید.

پاسخ:

کودک، همان کودک، هیچ کودکی، یک کودک، دومین کودک، کوچک‌ترین کودک، کدام

کودک؟، چه کودکی!

کار، آن کار، هر کار، هزار کار، آخرین کار، سخت‌ترین کار، چند کار؟، عجب کاری!

نتیجه، این نتیجه، فلان نتیجه، یک نتیجه، دومین نتیجه، عالی‌ترین نتیجه، کدام نتیجه؟، چه

نتیجه‌ای!

داستان، همین داستان، چند داستان، چهار داستان، اولین داستان، جذاب‌ترین داستان، چند

داستان؟، عجب داستانی!

۲- در نوشته‌های زیر وابسته‌های پیشین را شناسایی کنید؛ نام آن‌ها را بنویسید و هر یک را با

پیکان به هسته وصل کنید.

□ از بررسی در سه ایالت اسلامی و پنج شهر مهم به این نتیجه می‌رسیم که پس از معاویه، ایالتی

که سرنگونی رژیم دمشق را می‌خواست و برای اجرای این منظور اقدام کرد، کوفه بود.

□ روزنامه‌ی «مرد امروز» بزرگ‌ترین روزنامه‌ی اجتماعی زمان خود بوده است.

□ «محمد مسعود» در آن چند روز اختفای خود، کوبنده‌ترین مقاله‌ها را در روزنامه‌ی توقیف

شده‌ی «مرد امروز» به چاپ رساند. این شهادت حتی مخالفان را هم تحت تأثیر قرار داد اما هیچ کس

نمی‌دانست که او چه روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد.

□ در آن روزها هیچ فرد یا گروهی حاضر نبود از امتیازات طبقاتی خود صرف‌نظر کند.

□ چند گروه و دسته هم که معلوم نبود از کدام طرز تفکر پیروی می‌کنند، در نقاط مختلف

مملکت سر به طغیان برداشته بودند.

□ معلوم نیست آن سخت‌گیری آغاز کار و سپس طرح نقشه‌ی جنگ و اجرای آن با اشاره‌ی

دمشق بوده است یا به ابتکار شخص حاکم کوفه. شاید رئیس و مأمور، هر دو در آن دخالت داشتند

اما یک نکته را از لابه‌لای گفت‌و شنوهای صحنه‌ی کارزار می‌توان دریافت و آن این است که مردم

کوفه در آغاز نمی‌خواستند حادثه پایانی فجیع داشته باشد.

صفت شمارشی سه ایالت اسلامی

صفت شمارشی پنج شهر مهم

صفت اشاره این نتیجه

صفت اشاره این منظور

صفت مبهم هیچ کس

صفت اشاره آن روزها

صفت مبهم چند گروه و دسته

صفت اشاره آن سخت‌گیری آغاز کار

صفت شمارشی یک نکته

صفت عالی بزرگ‌ترین روزنامه‌ی اجتماعی زمان خود

صفت اشاره آن چند روز اختفای خود

صفت عالی کوبنده‌ترین مقاله‌ها

صفت اشاره این شهامت

صفت تعجبی چه روزهای سختی

صفت مبهم هیچ فرد یا گروهی
└──────────┘
└──────────┘

صفت پرسشی کدام طرز تفکر
└──────────┘
└──────────┘

صفت مبهم هر دو
└──────────┘
└──────────┘

۳- زبان انسان را با زبان حیوانات مقایسه کنید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را در یک بند

بنویسید.

پاسخ: جواب این پرسش به درک دانش‌آموز از درس زبان‌شناسی بستگی دارد. در این جا

یک نمونه ذکر می‌شود.

«شاید حیوانات نیز می‌توانند زبان یک‌دیگر را بفهمند و از طریق صداهایی که ایجاد می‌کنند، با هم ارتباط برقرار نمایند. بارها شاهد بوده‌ایم که دو گربه وقتی که به هم می‌رسند، صداهایی را رد و بدل می‌کنند. از کجا معلوم است که این صداها نظام‌مند نباشد و زبان خاصی به حساب نیاید اما تا آن‌جا که دانش‌پسری دریافته، تاکنون نشانه‌هایی از وجود زبانی نظام‌مند در میان حیوانات دیده نشده است؛ یعنی، اگر چه حیوانات صداهایی را با هم رد و بدل می‌کنند اما در این صداها ویژگی‌های زبان انسانی - مانند دو ساختی بودن، نابجایی و زایایی - وجود ندارد.»

۴- از بین کلمات زیر آن‌ها را که امروزه معنای مفرد می‌دهند و دوباره قابل جمع بستن هستند،

مشخص کنید.

وقایع، جواهر، قصاید، ارباب، اسرا، حور، لیالی، مراسم

پاسخ: هر چند همه‌ی این واژه‌ها جمع مکسرند اما برخی از آن‌ها در زبان فارسی معاصر مفرد

تلقى می‌گردند و با نشانه‌های جمع رایج در فارسی جمع بسته می‌شوند؛ مانند:

جواهر ← جواهرات ارباب ← اربابان حور ← حورها مراسم ← مراسمات

پرسش‌های نمونه

در هر گروه اسمی، وابسته‌های پیشین را که می‌توانند به کار روند، به کار ببرید.

صفت اشاره	صفت مبهم	صفت پرسشی	صفت شمارشی	صفت تعجبی	صفت عالی	هسته
					بهترین	کتاب
این						کتاب
			دو			کتاب

پاسخ در گروه اسمی اول: آن هر دو بهترین کتاب، در این صورت، خانه‌های صفت اشاره مبهم شمارشی عالی

پرسشی و صفت تعجبی خالی می‌ماند.

و اگر صفت تعجبی داشته باشد چه بهترین کتابی خانه‌های دیگر خالی می‌ماند ...
تعجبی عالی

در گروه اسمی دوم: این هر سه بهترین کتاب یا چه بهترین کتابی
اشاره مبهم شمارشی عالی تعجبی عالی

در گروه اسمی سوم: کدام دو کتاب یا آن هر دو جذاب‌ترین کتاب
پرسشی شمارشی اشاره مبهم شمارشی عالی

ساده نویسی

اهداف

- الف) هدف کلی: آشنا کردن دانش آموز با ساده نویسی و ویژگی های آن
- ب) هدف های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش آموز انتظار می رود:
- ۱- نوشته ی ساده را بشناسد و ویژگی های آن را برشمرد.
 - ۲- دلایل ساده یا دشوار بودن یک نوشته را توضیح دهد.
 - ۳- نکاتی را که در ساده نویسی به نویسندگان کمک می کنند، بیان کند.
 - ۴- از به کار بردن واژگان و عبارات های زاید در نوشته ی خود بپرهیزد.
 - ۵- با رعایت اصول ساده نویسی، موضوعاتی را به زبان ساده بنویسد.
 - ۶- تفاوت نقش نمای اضافه با «ی» میانجی را با ذکر نمونه، توضیح دهد.
 - ۷- به خودآزمایی درس پاسخ صحیح بدهد.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- نگارش و ویرایش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، انتشارات سمت.
- ۲- گزارش نویسی و آیین نگارش؛ مهدی ماحوزی، انتشارات اساطیر.
- ۳- شیوه ی نگارش؛ مرتضی کاخی، انتشارات امیرکبیر.

ب) منابع کمکی

- ۱- کتاب کار نگارش و انشا (۱)؛ حسن ذوالفقاری، انتشارات اساطیر.
- ۲- آیین نگارش؛ محمدجواد شریعت، انتشارات اساطیر.
- ۳- مکاتبات اداری؛ خسرو قاسمیان، نشر زر.
- ۴- آیین نگارش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، مرکز نشر دانشگاهی.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

- ۱- مطالعه‌ی گروهی، ۲- روش حل مسئله، ۳- روش تعامل و کنش متقابل، ۴- تمرین عملی، ۵- روش مقایسه.

مفاهیم و نکات اساسی درس

- ساده‌نویسی یکی از فنون و مهارت‌های نگارشی است.
- ویژگی‌های یک نوشته‌ی ساده عبارت‌اند از:
 - ۱- برخورداری از زبانی صمیمی و نزدیک به گفتار
 - ۲- سادگی، روانی و کوتاهی جمله‌ها.
 - ۳- پرهیز از به‌کارگیری عبارت‌های دشوار و زاید.
 - ۴- قابل فهم بودن نوشته.
- نکاتی که در ساده‌نویسی، توجه بدان‌ها ضروری است:
 - الف) نزدیکی زبان نگارش به زبان گفتار که به نوشته روح و تحرک بیش‌تری می‌بخشد.
 - ب) نقل مطالب پس از فهم دقیق به زبان خودمانی که سبب افزایش صداقت و صمیمیت می‌شود.
 - پ) پرهیز از جمله‌های بلند؛ زیرا هر چه جمله‌ها کوتاه‌تر باشند، مفهوم را زودتر و بهتر می‌رسانند.
 - ت) خودداری از شاخ و برگ دادن بی‌مورد به مطالب و دوری کردن از کاربرد عبارت‌های فضل‌فروشانه.
 - ث) پرهیز از کاربرد واژگان و عبارت‌های زاید و کلی‌گویی‌ها و ابهام.
 - ج) پرهیز از به‌کارگرفتن آرایه‌های ادبی در نوشته‌های علمی و غیرادبی.
- نقش‌نمای اضافه و کاربرد «ی» میانجی.

هرگاه واژه‌ای به «صامت» ختم شود، در حالت اضافه فقط نقش نما یا کسره‌ی اضافه می‌گیرد و اگر به مصوت‌های «آ، او» ختم شود، علاوه بر آن به «ی» میانجی هم نیازمند است که کار تلفظ را ساده‌تر می‌کند.

اکنون با مراجعه به یکی از منابع، مختصری از مبحث «ساده‌نویسی» را فرمایش می‌نهم. «مقدمات نگارش چون فراهم آمد، وقت آن فرامی‌رسد که قلم به دست گیریم و بنویسیم. نویسندگی در عمل از همین‌جا آغاز می‌شود. دانشجویان در زندگی تحصیلی خود بیش‌تر می‌خوانند

و کم‌تر فرصت آن پیش می‌آید که بنویسند. از این‌رو، برایشان راحت‌تر آن است که مطالب خود را بگویند. در مواردی، از جمله موقع امتحان کتبی که ناگزیر می‌شود بنویسند. غالباً عاجز می‌مانند که دانسته‌های خود را به بیانی روشن و زبانی پاکیزه به نگارش درآورند. . . .

فرق میان نوشتن و گفتن را وقتی خوب احساس می‌کنید که بر سبیل آزمایش بخواهید مطالب نوشته‌ای را که خوانده‌اید، به زبان خودتان بنویسید. بزرگ‌ترین مشکل شما چه بسا این باشد که آن چه می‌خواهید بنویسید، سخن خودتان نیست، سخن دیگری است. طبیعی است که هرکس فکر خود را راحت‌تر می‌تواند بیان کند. راه حل این مشکل آن است که بکشید تا آن چه را می‌خوانید، ابتدا خوب بفهمید. . . . در هر حال، آن چه می‌نویسید باید یا از آن خودتان باشد یا اگر متعلق به دیگری است، [آن را] از آن خود کرده باشید. . . .

یکی از محاسن کلام، سلامت آن است. سخن روان راحت خوانده می‌شود. فکر چون از خود نویسنده باشد، آسان به بیان درمی‌آید. سخن روان، آسان خوانده می‌شود ولی آسان پدید نمی‌آید. نویسندگان عموماً بارها نوشته‌ی خود را زیر و رو و حک و اصلاح می‌کنند. سهل و ممتنع گویای همین معنی است. سخن سهل است ولی آفریدن آن ممتنع است. البته با ممارست چه بسا سخن روان گفتن ملکه‌ی آدمی گردد. نویسندگانی هستند که به سهل آفرینی شهرت یافته‌اند ولی باید دید که در پس این سهل آفرینی چه کشش و کوششی پنهان است. درست است که سهل آفرین، چون دست به قلم می‌برد روان و حتی بی‌خط خوردگی می‌نویسد اما پیش از آن، شیوه‌ی بیان مقاصد را در ذهن پرورده و عبارات را چرخ و واچرخ داده و در پرتو قوت حافظه، تعبیرهای حاضر و آماده را آراسته است. درست مانند میزبانی که برای مهمانان ناخوانده تا شربتی بنوشند و نفس راحت کنند، سفره‌ای رنگین می‌آراید و مایه‌ی حیرت می‌گردد. عاقلان دانند که او مواد آماده ذخیره داشته و هنر او در این بوده است که با مهارت این را به آن زده و خوان اشتها انگیزی درجیده است.

آسان‌نویسی چه بسا به طبع نویسنده هم مربوط باشد. طبع آسان‌گیر اگر با قریحه‌ی نویسنده‌گی و تجربه و تمرین قرین گردد، قهراً نوشتن را آسان و نوشته را روان می‌سازد. گفته‌اند که سبک، خود نویسنده است؛ بنابراین، طبع نویسنده در شیوه‌ی سخن او بازتاب می‌یابد. . . .

لازمه‌ی روان‌نویسی آن است که اجزای سخن در جای خود نشانده شوند؛ جمله‌ها پُریچ و خم و زیاده‌دراز و پر دست‌انداز نباشد که در خواندن آن‌ها ناگزیر باشیم از دالان هزار خم بگذریم.

به این نکته هم باید توجه داشت که روانی نوشته نباید به قدری باشد که ذهن روی آن بلغزد و سایش و اصطکاک‌کی حس نکند. اگر چنین باشد، خواننده حین خواندن مطلب را درمی‌یابد ولی از آن در حافظه‌اش چیزی زیاد نمی‌ماند. هم‌چون لوله‌ای دو سر باز که تا درون آب است پُر است و چون

بیرون آید خالی است... نویسنده باید خواننده را با شگردهایی در نقطه‌هایی حسّاس درنگ بدهد و به تأمل و تفکر وادارد.»

نگارش و ویرایش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، انتشارات سمت، ص ۶۷ به بعد

پاسخ خودآزمایی

- ۱- جمله‌های بلند زیر را به دو یا چند جمله تبدیل کنید.
- ۲- یکی از بهترین و مؤثرترین وسایل کسب مهارت در انواع نوشتن، خواندن مطالب گوناگون است.
- ۳- در هنگام مطالعه باید مطالب مهم را مورد توجه قرار دهیم و از آن‌ها یادداشت برداری کنیم.
- ۴- مقصود نوشته‌ی زیر را به‌طور ساده و در دو سطر بنویسید.
- ۵- به لطف خداوند، سال‌ها به مطالعه و پژوهش در مثنوی معنوی مولوی سرگرم بودم. در این راه بارها به دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی برخورد نمودم و از طریق مراجعه به شرح و تفسیرهای گوناگون، برخی از آن مشکلات حل شد و بعضی، همچنان باقی ماند.
- ۶- (البته هر دانش‌آموز به فراخور توانایی‌هایی خود می‌تواند به این پرسش، پاسخ بدهد.)
- ۷- به جای واژگان زیر، برابره‌ای مناسب بنویسید.
- ۸- مستعمل ← کهنه / دست دوم
- ۹- علی‌هذا ← با این حال / به این ترتیب
- ۱۰- من غیر مستقیم ← غیرمستقیم / به‌طور نامستقیم
- ۱۱- کاندیدا ← نامزد
- ۱۲- علی‌کلّ حال ← به هر روی / در هر حال
- ۱۳- در مقطع کنونی ← اکنون / در حال حاضر
- ۱۴- پاسخ این تمرین به تعداد افراد، متفاوت است و آزاد.
- ۱۵- با استفاده از صفت‌های تفضیلی: «ارشد، اعلم، افضل»، برای هر یک جمله‌ای مناسب بنویسید.

۱- سهراب، سرباز ارشد اردوگاه بود.

۲- بوعلی‌سینا را می‌توان اعلم حکیمان ایرانی دانست.

۳- نزد خداوند کسی افضل است که ایمانی قوی‌تر داشته باشد.

۴- دو جمله بنویسید که کلمه‌ی «چند» در یکی صفت مبهم و در دیگری صفت پریشی باشد.

– چند نامه برای دوستم فرستادم. چند کتاب مفید خریدم. (صفت مبهم)
– تاکنون به چند شهر مسافرت کردی؟ چند دانش‌آموز در آزمون شرکت کردند؟ (صفت
پرسشی)

۷– کلمه‌های «فلان، عجب، همه، هیچ، هر» را در جمله‌های جداگانه به عنوان صفت پیشین به
کار برید.

- فلان باغ را خریدم.
- عجب منظره‌ی زیبایی دارد.
- شما باید همه شب مطالعه کنید.
- هیچ کتابی را بی مطالعه رها نکردم.
- هرکاری را با نام خداوند آغاز می‌کنیم.